

# مردمسالاری و رفاه اجتماعی - بخش دوم

## دموکراسی سوئدی



محصن نجات حسینی - سوئد  
contactmnh@yahoo.com

کشور سوئد در اوایل قرن بیستم در زمره فقیرترین کشورهای اروپایی بوده است. اکنون بر اساس آمار بین‌المللی و ارزیابی سازمان‌های بی‌طرف یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان بوده و مردم آن از بالاترین سطح رفاه زندگی برخوردارند. این دگرگونی نتیجه مبارزات درازمدت جنبش کارگری و سندیکایی و نیز سیاستگذاری سوسیال‌دموکراسی در این کشور است. این نبروها توانسته‌اند آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را در این کشور نهادینه کرده و راه رشد و پیشرفت جامعه را هموار کنند. هدف از این نوشته‌نگاهی درونی بر روابط و مناسبات جاری در سوئد و شناخت عواملی است که آن جامعه را به سوی پیشرفت سوق داده است.

---

### آمار سخن می‌گوید

علم آمار ابزاری است که برای سنجش و ارزیابی پدیده‌های گوناگون به کار می‌رود. داده‌های آماری نظیر آمار زیستی، روانسنجی، مهندسی و بازرگانی به ما کمک می‌کند بتوانیم آینده خود و کشور خود را با استفاده از نتایج به‌دست‌آمده آماری برنامه‌ریزی کرده و با خطای کمتری آنها را به اجرا درآوریم. مطالعه آمار زیستی جوامع مختلف یک جهان‌بینی علمی است که راه ما را برای مطالعه پدیده‌ها در اقصی نقاط دنیا کوتاه می‌کند و به ما امکان می‌دهد از نتایج عملکرد دیگران برای بهتر زیستن بهره‌مند شویم.

آمار سازمان ملل و نیز گزارش‌های سازمان‌ها و گروه‌های غیروابسته که به ارزیابی جوامع انسانی می‌پردازند، همه بیانگر آن است که مردم شمال اروپا به ویژه سوئد، دانمارک و نروژ از بالاترین سطح زندگی و رفاه اجتماعی در سطح جهان برخوردارند. در این کشورها مردم نسبت به سایر کشورها آسوده‌خاطر و بی‌دغدغه زندگی می‌کنند. زن و مرد به گونه‌ی برابر از همه امتیازات زندگی و قانونی برخوردارند. زندگی شهروندان چه در زمان حال و چه در آینده تأمین است. کودکان از همه امکانات رفاهی و آموزشی و پرورشی برخوردارند. بیمه‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی به طور فراگیر وجود دارد که باعث آسایش خاطر همگان است. کمک‌های اجتماعی همه بیکاران، پیران و ازکارافتادگان را پوشش می‌دهد و بازنشستگان از آسایش و رفاه نسبتاً بالایی برخوردارند. فساد اداری و سوءاستفاده از قدرت کمتر از هر جای دیگر است. اقتصاد این کشورها از چنان رونقی برخوردار است که میزان اشتغال مردم را به بالاترین سطح در جهان رسانده است. عرضه بیکاری و دشواری امرار معاش که زمینه‌ساز بسیاری از جرائم و مفاسد اجتماعی است به کمترین میزان نسبت به کشورهای دیگر است. کار به اندازه کافی برای همه وجود دارد چه برای زنان و چه برای مردان. این کشورها در امنیت و آرامش بوده و دور از همه تنش‌های سیاسی و اجتماعی به رشد مداوم و پیشرو خود ادامه می‌دهند. فعالیت‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی در حال شکوفایی است. دولت‌مردان که هدایت همه امور جامعه را بر عهده دارند در انتخاباتی کاملاً آزاد انتخاب می‌شوند. هر شهروندی با هر عقیده و طرز فکری می‌تواند خود را نامزد انتخابات کند و همه مردم آزادانه به هر کس یا به هر حزبی که می‌خواهند رای می‌دهند. دولتی که روی کار می‌آید در برابر رای دهندگان مسول و پاسخگو است. این به این معناست که هر گاه یک مقام دولتی در انجام وظایف خود ناموفق باشد کنار گذاشته خواهد شد. همه این امتیازات به آن معنا نیست که در کشورهای اسکاندیناوی جرم، ظلم، جنایت و بدبختی هرگز وجود ندارد بلکه به معنای این است که در این کشورها بی‌عدالتی و ناهنجاری‌های اجتماعی کمتر از هر جای دیگر بوده و رفاه و آسایش مردم بیش از هر جای دیگر است.

وجود رفاه و عدالت اجتماعی در برخی کشورها گواه بر این است که با به کارگیری قوانین و ضوابط اجتماعی و سیاسی ویژه‌ی می‌توان زمینه‌رشد و پیشرفت جامعه را فراهم آورد تا مردم آسوده‌خاطر از موهبت‌هایی که در اختیار دارند، استفاده کنند و از زندگی‌شان لذت ببرند. وقتی عوامل اصلی پیشرفت را بشناسیم آنگاه با به کارگیری آنچه مفید بودن آن در عمل اثبات

شده است، راه موفقیت را خواهیم پیمود و از دل‌بستگی به نظریات و دنبال کردن شعارهایی که هرگز نتوانسته‌اند در دنیای امروز جامعه‌ی ما به رفاه و آسایش برسانند، رها خواهیم شد. چرا سوئد یک کشور پیشرفته و مرفه است زیرا سوئد کشوری است که در آن فقر ریشه کن شده است. سوئد کشوری است که همه شهروندان آن حق برخورداری از مسکن مناسب، تغذیه و پوشش مناسب و سایر امکانات زندگی را دارا هستند. بیکاران، بیماران و افراد ازکارافتاده همگی تحت پوشش کمک‌های دولتی قرار می‌گیرند تا آنها نیز از یک زندگی مناسب بهره‌مند شوند. سوئد کشوری است که پیشرفته‌ترین امکانات بهداشتی و درمانی را به طور همسان در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهد. سوئد کشوری است که بر اساس قوانین مدنی آن، آزادی‌های فردی و اجتماعی در بالاترین ابعاد ممکن تضمین می‌شود. سوئد کشوری است که در آن حقوق زنان و مردان بیش از هر کشور دیگری با هم برابری می‌کند. سوئد کشوری است که در آن کودکان از بیشترین امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برخوردارند. سوئد کشوری است که در زمینه حفظ بهداشت محیط، پیشروترین کشور در سطح جهان است. سوئد کشوری است که نسبت به جمعیتش کمترین میزان جرم و جنایت در آن صورت می‌گیرد. به طور خلاصه سوئد کشوری است که مردم آن از مرفه‌ترین مردم در جهان بوده و از بالاترین سهم امنیت، آسایش و آرامش برخوردارند. ویژگی‌های نام‌برده در بالا کافی است که این کشور شمال اروپا را به عنوان یک کشور موفق در امور اقتصادی و اجتماعی بشناسیم و آن را مورد مطالعه قرار دهیم.

### اطلاعات همگانی پیرامون سوئد

سرزمینی که امروزه سوئد نامیده می‌شود تا ۱۰ هزار سال پیش، فقط بستری از سنگ‌های سخت دوران قدیم زمین‌شناسی بوده که زیر یخ‌های مرفق قطب شمال در خواب زمستانی فرو رفته بود. حدود ۱۰ هزار سال پیش با تغییر شرایط جوی، یخ‌های قطبی از شبه‌جزیره اسکاندیناوی عقب‌نشینی کرد و به تدریج شکارچیان و افرادی که به دنبال غنایم می‌گشتند به این مناطق راه یافتند که از آن جمله وایکینگ‌ها که در زمان دریایی انگلیسی بودند، می‌توان نام برد. زندگی در شمال سوئد برای مردمی که از مناطق شرقی به آنجا می‌آمدند مناسب می‌نمود. هم اکنون در شمال سوئد قبایلی که نژاد آنها به چینی‌ها نزدیک است، مستقر هستند و به شیوه اسکیمویی زندگی می‌کنند. آنها هنوز از راه شکار ماهی در دریای یخ‌زده شمال و نیز شکار گوزن‌های وحشی امرار معاش می‌کنند. به تدریج بخش جنوبی کشور سوئد به محل سکونت مردمی از اروپای مرکزی تبدیل شد که برای زندگی بهتر به مناطق خالی از سکنه شمالی کوچ می‌کردند. سوئد از نظر مساحت چهارمین کشور بزرگ اروپا است. اگر نقشه سوئد را به پیکر یک آدم قد بلند تشبیه کنیم که طولش ۱۶۰۰ کیلومتر و عرضش به طور متوسط ۲۸۰ کیلومتر باشد، این پیکر سرش را نزدیک قطب شمال بر زمین گذاشته و پاهایش را تا آب‌های شمال آلمان دراز کرده است. استکهلم که پایتخت است روی زانوی آن پیکر در شرق این کشور و در ساحل دریای بالتیک قرار دارد. از شمال و غرب با کشور نروژ و از شمال شرقی با کشور فنلاند و از طریق دریا با لیتوانی، لهستان و روسیه همسایه است. از جنوب نیز از طریق دریا همسایه آلمان است. نزدیک به ۹ درصد از سطح سوئد را دریاچه پوشانده است و بیش از نیمی از زمین آن جنگل است. شمال سوئد همیشه سرد است و زمستان‌های طولانی و تاریک و تابستان‌های خنک با روزهای بلند دارد. بخش بالاتر از سر سوئد که به کشور نروژ تعلق دارد، مناطق قطب شمال کره زمین است. در آنجا شش ماه از سال شب است و شش ماه دیگر روز. به عبارت دیگر فاصله طلوع و غروب خورشید نزدیک به صفر است.

سوئد در حال حاضر کمی بیش از ۹ میلیون جمعیت دارد که حدود یک میلیون نفر از آنها خارجی تبارند و از جمله نزدیک به ۷۰ هزار ایرانی در سوئد هستند که تقریباً همه آنها بعد از انقلاب به سوئد کوچ کرده‌اند. جمعیت نسبی سوئد حدود ۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع است. نظام اقتصادی این کشور، اقتصاد مختلط است. بیشتر شرکت‌ها متعلق به بخش خصوصی است ولی نهادهایی مانند پست، مطابرات، راه آهن و بخش مهمی از تولید انرژی توسط یا نظارت دولت اداره می‌شود. عمده‌ترین منابع طبیعی سوئد جنگل، سنگ آهن و نیروی آب است.

طبق آمار سال ۲۰۰۷ تنها ۱/۷ درصد از مردم سوئد در صنعت کشاورزی، جنگل، دامداری و ماهیگیری مشغول به کار بوده‌اند. میزان تولید که توسط این بخش ارائه می‌شود، مواد مهم غذایی در سوئد را تأمین می‌کند. درآمد سرانه مردم سوئد در سال ۲۰۰۶ میلادی برابر با ۳۵ هزار دلار آمریکا بوده است. پول رایج در سوئد کرون است که هر کرون اکنون حدود ۱۲۰ تومان است. زبان رایج در سوئد زبان سوئدی است که از زبان لاتین سرچشمه می‌گیرد. نزدیک‌ترین زبان‌ها به سوئدی به ترتیب عبارتند از نروژی، دانمارکی، ایسلندی و تا حدودی آلمانی. شکل حکومت در سوئد مشروطه پادشاهی است که شاه و خاندانش فقط نقش نمادین دارند و حق دخالت و اظهار نظر در سیاست و اداره کشور را ندارند. امور کشور را دولت اداره می‌کند. نمایندگان پارلمان هر چهار سال یک بار بر اساس انتخاباتی آزاد و بدون قید و شرط از طرف مردم انتخاب می‌شوند. هر حزب یا گروهی که بیشترین آرا را کسب کند، دولت را تشکیل می‌دهد.

### تاریخ تحولات اجتماعی در سوئد

اولین نهاد مردمسالاری در سوئد در سال ۱۴۳۵ بنیان گرفت و این هنگامی بود که دربار شاه برخی از نخبگان را به یک گردهمایی در شهرک «آربوگا» فراخواند تا درباره مسائل مهم کشور تصمیم‌گیری کنند. در دهه ۱۵۲۰ پارلمان به معنای گردهمایی از چهار گروه اجتماعی در شهر «وستروس» تشکیل شد که در آن نمایندگان نخبگان، روحانیون، ثروتمندان و دهقانان شرکت داشتند. این گردهمایی اولین پارلمان سوئد نامیده شد. در سال‌های ۱۶۰۰ میلادی سوئد با استفاده از یک ارتش جنگ‌پیشه، راه خود را به سرزمین‌های همسایگانش گشود و به یک قدرت بزرگ اروپایی تبدیل شد. اما طی دو قرن حکمرانی به تدریج توان نگهداری سرزمین‌های اشغالی را از دست داد و در اوایل سده ۱۸۰۰ میلادی در جنگی با روس‌ها، فنلاند تحت تصرف روس‌ها درآمد.

سوئد تا نیمه قرن نوزدهم یک جامعه کشاورزی و فقیر بود و از اختلافات شدید طبقاتی رنج می‌برد. حکومت آن از پادشاهی به پادشاه دیگر منتقل می‌شد و چرخ جامعه بر وفق مراد مردان ثروتمند می‌چرخید. صد سال پیش در سوئد از رفاه اجتماعی خبری نبود. اکثریت مردم این کشور از سرما و اختلافات شدید طبقاتی رنج می‌بردند. اشتغال بچه‌ها در کارگاه‌ها امری عادی بود. کارگران شاغل در معادن و کارهای سخت بیش از ۱۰ تا ۱۲ ساعت مداوم به کار مشغول بودند و خطرات ناشی از کارهای جانفرسا را به جان می‌خریدند. در آن زمان فقط فرزندان ثروتمندان می‌توانستند به مدرسه بروند. هیچ کمک مالی به مستمندان وجود نداشت. نابرابری و بی‌عدالتی در همه جا به چشم می‌خورد.

در قرن نوزدهم با افزایش جمعیت و کمبود زمین کشاورزی فقر گسترش یافت و شکاف بین ثروتمندان و فقرا وسیع‌تر شد. فقر و گرسنگی بسیاری از مردم تنگدست را واداشت تا راه مهاجرت به آمریکا را در پیش گیرند.

در سال ۱۸۴۲ برای اولین بار مدارس آموزش همگانی دایر شد. سوادآموزی و بالا رفتن آگاهی اقشار مختلف مردم جامعه را به سوی صنعتی شدن سوق داد. در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی راه‌آهن تأسیس شد و شرکت‌های بزرگی مانند ال‌ام ریکسون و شرکت سهامی نیتروگلیسرین کار خود را آغاز کردند و تا پایان قرن خود را به عنوان شرکت‌های بزرگ بین‌المللی توسعه دادند. در پایان قرن نوزدهم به‌رغم رشد سریع صنایع که به ثروت

**سوئد تا نیمه دوم قرن نوزدهم یک جامعه کشاورزی و فقیر بود و از اختلافات شدید طبقاتی رنج می‌برد. حکومت آن از پادشاهی به پادشاه دیگر منتقل می‌شد و چرخ جامعه بر وفق مراد مردان ثروتمند می‌چرخید. صد سال پیش در سوئد از رفاه اجتماعی خبری نبود. اکثریت مردم این کشور از سرما و اختلافات شدید طبقاتی رنج می‌بردند. اشتغال بچه‌ها در کارگاه‌ها امری عادی بود. کارگران شاغل در معادن و کارهای سخت بیش از ۱۰ تا ۱۲ ساعت مداوم به کار مشغول بودند و خطرات ناشی از کارهای جانفرسا را به جان می‌خریدند. در آن زمان فقط فرزندان ثروتمندان می‌توانستند به مدرسه بروند. هیچ کمک مالی به مستمندان وجود نداشت. نابرابری و بی‌عدالتی در همه جا به چشم می‌خورد.**

### اندیشه اجتماعی

ثروتمندان می‌افزود، فقر و محرومیت‌های اجتماعی دامنگیر اکثریت عظیم جامعه بود. با گسترش آگاهی عمومی، به تدریج گروه‌های کارگری مشکل‌شده و نیروهای جدیدی را در جامعه پدید آورد.

جنبش‌های مردمی که عموماً خواستار عدالت اجتماعی و تأثیر گذاری بر شیوه اداره جامعه بودند، پا گرفتند. کارگران در اتحادیه‌های صنفی به سازماندهی خود پرداختند. جنبش‌های پرزیش از مشروبات الکلی به وجود آمد. مبارزات گسترده‌ی از سوی تشکل‌های آزاد مذهبی در برابر اقتدار کلیسای دولتی آغاز شد. تا آن زمان کلیسا در دست سوجویانی بود که با نام مذهب یکه‌تازی می‌کردند و همراه با اقشار ثروتمند به قدرت و حکومت دست یافته و در پایمال کردن حقوق اکثریت مردم سهم بودند. به تدریج تشکل‌های صنفی و مذهبی برای پیشبرد اهداف خود در قالب احزاب گوناگون گرد آمدند. با انتشار روزنامه‌های حزبی و نیز روزنامه‌های مستقل، گروه‌های مختلف اجتماعی با نظرات گوناگون آشنا شده و ارتباط بین آنها گسترش یافت.

### جنبش کارگری و سوسیال‌دموکراسی در سوئد

در فاصله سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ شورش‌های فراگیر و سازمان‌یافته مردم در فرانسه جریان داشت که طی آن استبداد پادشاهی و زمینداران بزرگ را از عرصه قدرت به زیر کشید و حکومت مردمسالاری را که در آن مردم (نه فرد یا گروهی خاص) حکومت می‌کنند، جایگزین آن کرد. این تحول تاریخی که به انقلاب فرانسه معروف است با تشکیل یک شورای ملی در ژوئن ۱۷۸۹ و نیز یورش بر زندان باستیل در ۱۴ ژوئیه همان سال آغاز شد و به تشکیل اولین حکومت جمهوری در سال ۱۷۹۲ انجامید. پس از انقلاب فرانسه در بسیاری از کشورهای اروپایی احزاب و گروه‌های بسیاری تشکیل شد که خواستار دستیابی به حقوق سیاسی و اجتماعی اقشار زحمتکش جامعه بودند. در این بین افکار سوسیالیستی طرفداران بسیاری پیدا کرد. سوسیالیست‌ها خواستار حکومت مردمسالاری و حاکمیت به اقتصاد جامعه از جمله بانک‌ها، همه شرکت‌های تولیدی و بازار کار بودند. هدف سوسیالیست‌ها از میان بردن اختلاف طبقاتی و ترویج عدالت و برابری در جامعه بود تا همه مردم به طور مساوی از امکانات موجود برای زندگی استفاده کنند. سوسیالیست‌ها بر این باور بودند که تغییرات بنیادی در جامعه باید از راه انقلاب و دگرگونی همه‌جانبه روابط موجود در آن صورت گیرد. به تدریج جنبش سوسیال‌دموکراسی نیز در اروپا رایج شد. سوسیال‌دموکراسی یا مردمسالاری اجتماعی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده ۲۰ میلادی از سوی برخی هواداران سوسیالیست‌ها ارائه شد. سوسیال‌دموکرات‌ها گرچه مانند سوسیالیست‌ها خواهان تغییرات بنیادی در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه بودند اما برخلاف سوسیالیست‌ها با انقلاب مخالف بودند. آنها برای دستیابی به قدرت، شیوه انتخابات پارلمانی را در پیش گرفتند. سوسیال‌دموکرات‌ها حضور سرمایه‌داری آزاد را که در چارچوب منافع کلی جامعه حرکت کند، مانعی در راه اصلاحات نمی‌دانستند.

در اواخر سده ۱۸ میلادی جنبش اصلاح طلبی در سوئد نیز با تأثیر پذیری از احزاب سوسیالیستی در اروپا خواستار اصلاحات اجتماعی مبتنی بر ایده‌های سوسیالیستی شد؛ این جنبش را طیفی از روشنفکران در ائتلاف با خرده‌بوروازی رهبری می‌کردند. در سال ۱۸۷۲ تنها ۹ درصد از جمعیت حق داشتند در انتخابات برای شورای دوم پارلمان شرکت کنند.

پارلمان سوئد دارای دو شورا بود که آنها را شورای اول و شورای دوم می‌نامیدند. نمایندگان شورای اول مانند مجالس سنا در برخی کشورها، به طور انتصابی به نمایندگی می‌رسیدند. استانداردی‌ها از بین کسانی که به عنوان معتمدان مردم در انجمن‌های شهرها حضور داشتند، برخی را به نمایندگی در شورای اول پارلمان منصوب می‌کردند. از آنجا که نمایندگان در انجمن‌های محلی همگی از ثروتمندان و نخبگان بودند، کرسی‌های شورای اول پارلمان نیز نصیب افراد مرفه و دارای نام و نشان می‌شد. نمایندگان شورای دوم پارلمان مستقیماً توسط کسانی که حق رای داشتند، برگزیده می‌شدند. در آن زمان حق رای یک حق همگانی نبود. افراد ثروتمند به نسبت ثروتی که داشتند دارای تعدادی حق رای بودند و آنها بودند که نمایندگان شورای دوم را از بین خودشان انتخاب می‌کردند. به این ترتیب تنها افراد بافزون و ثروتمند به عنوان نماینده به پارلمان راه پیدا می‌کردند.